

اپوزیسیون ایران باید متحد شود - گفت و گو با خسروسیف

۱ مهر ۱۳۸۴ www.60000000.com

خسروسیف؛ دشمن همیشه با همه چیز بازی می کند. ببینید ما معتقد به مبارزه سیاسی مسالمت آمیز هستیم. فرجام این چیست؟ ما وقتی به اراده مردمی اعتقاد داریم آیا جز فراندوم راه دیگری برای رسیدن به آن وجود دارد؟ ولی فراندوم زمان خاص خودش را می طلبد. در این شرایط فراندوم یعنی انتخابات دوره ۱۷ مجلس شورای ملی. فراندوم در شرایط خاصی بر گزار می شود. یعنی حکومت به بن بست رسیده باشد و مردم تقاضای فراندوم کنند. از سوی دیگر در مورد آقای سازگارا باید بگویم من در مورد همه کسانی که در مدت ۲۷ سال گذشته در پستیهای قرار داشتند که حرف و حدیث پیرامونشان است به هیچ وجه اعتقادی به آنان ندارم. حالا چه محسن سازگارا باشد و چه حمید رضا جلائی پور.

Rooz

۲۷ شهریور ۱۳۸۴

"ما در مورد ساختار فعلی جبهه ملی ایران بحث داریم و معتقدیم که نتوانسته تمام احزاب و گروه های ملی را در بر بگیرد از این رو باید تمام احزاب ملی ایران حول محور نیاز ملی در سازمان اتحاد گرد هم آیند." این دغدغه خسروسیف دبیر کل حزب ملت ایران است که در پی اتحاد احزاب ملی ایران و تشکیل يك اپوزیسیون قوی و فعال است. او از تك روي ها و خود محوري هاي دوستان و مبارزینی که بیش از پنجاه سال با آنها همراه بود می گوید و معتقد است که آنها به عناوین دل خوش کرده اند و راه را برای استعدادهای دیگر نمی گشایند. او که ۶۹ بهار را پشت سر گذاشته لااقل ۵۴ سال سابقه مبارزاتی دارد، یعنی از ۱۳۳۰ که به عضویت حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم در آمده. گفت و گویی که با او انجام دادیم در يك صبح تابستانی در منزلش در تهران حول محور مختصات اپوزیسیون ایران و راههای برون رفت آن از انسداد فعلی بود که می خوانید.

حزب ملت ایران در حال حاضر چه اهدافی را پیگیری می کند؟
اتحاد نیروهای مخالف

این اتحاد چه شرایطی دارد و تا چه حد موثر است؟
این اتحاد در صورتی می تواند موثر باشد که افق دید آن مورد توافق باشد. ما اعتقاد داریم کسانی که به استقلال و آزادی و عدالت همگانی یعنی سه شعاری که در ابتدای انقلاب داده شده معتقدند، در حال حاضر برای این که به آنها دست یابیم، در خلع موجود باید نیروهای سیاسی ای که اعتقاد به این سه اصل دارند دست به دست هم داده و اتحاد ایجاد کنند.

شاید بسیاری به این سه اصل اعتقاد داشته باشند اما...؟
ببینید از دو سال قبل از به شهادت رسیدن فروهرها من و مرحوم داریوش فروهر در این زمینه تلاش بسیاری کردیم.

همه معتقد به این سه اصل بودند اما کسی قدم اول را بر نمی داشت و هنوز هم فراخوان ما برای این اتحاد بی پاسخ مانده و ما همچنان منتظریم، اما تا کنون کسی یا حزبی اعلام آمادگی نکرده است. از سوی دیگر ما تلاش کردیم تا اتحاد حزبها و نیروهای ملی را ایجاد کنیم و قصد داشتیم چیزی را که به نام جبهه ملی وجود دارد بکشانیم به سمت تعریفی که دکتر مصدق از جبهه ملی ارایه داد. این اتحاد تا زمان شهادت فروهر ادامه داشت که در پی آن مساله این عده اندکی هم که آمده بودند پراکنده شدند و تا کنون نیز هیچ توفیق دوباره ای ایجاد نشد. و خود من نیز وقتی از زندان آزاد شدم در سال ۷۹ در جمع تمام دوستان اعلام کردم در حال حاضر هر حزب از هر توان و قدرتی که برخوردار باشد به تنهایی نمی تواند موفق شود جز اینکه اتحادی حول محور نیاز ملی ایجاد شود. نیاز ملی امروز ما آزادی است و به محض اینکه این نیاز بر آورده شد دوباره به سازمانها و احزاب خودشان باز می گردند و این اتحاد حول این نیاز ملی که دیگر بر آورده شده است آن زمان دیگر موضوعیت نخواهد داشت. بر این اساس بود که پیشنهاد ایجاد این سازمان اتحاد را در سال ۷۹ دادیم همانطوری که در جبهه ملی دوم در سال ۱۳۳۹ انجام شده بود.

تشکیل جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر نمی تواند نیاز ما در حال حاضر باشد؟
نیاز امروز ما آزادی است. ما آزادی را برای دست یابی به حقوق بشر و دموکراسی می خواهیم و علت مخالفت ما با تشکیل این جبهه وجودی نیست، بلکه معتقدیم اگر این جبهه می خواهد مردم را به پای صندوقی بکشاند که از نظر ما از ۲۵ سال قبل تا کنون انتخابات هایش غیر آزاد بودند، ما با آن مخالفیم. ما معتقدیم همه حقوق تحت سایه آزادی محقق می شود. به همین علت ما می گوئیم همه باید برای رسیدن به آزادی متحد شوند.

تحت عنوان سازمان اتحاد؟
هر اسمی که می خواهد باشد. مهم این است که تشکیل شود که متأسفانه هر بار همه تاکید می کنند که خوب است، اما اقدامی انجام نمی دهند.

گویا عباس امیر انتظام هم در این رابطه پیشنهادهایی مطرح کرده است؟

آقای امیر انتظام طرحی دادند به نام طرح کنگره ملی. از همان ابتدا مشخص بود که ایشان به افراد به صفت شخصی نگاه می کند و نه سازمانی و این مشکل است. بحث دیگر این است که ایشان در این طرح خودش را گره زده است به جبهه ملی و زیر طرح خودش و آقای ورجاوند امضاء کرده اند. بنابراین اگر این طرح از بطن این سازمان جبهه ملی بیرون آید از آنجا که خیلی ها در مورد آن بحث هایی دارند قابل پذیرش نیست. چقدر خوب بود که آقای امیر انتظام این طرح را ابتکاری کاملاً شخصی اعلام می کرد. چون خودش به اندازه کافی سابقه زندان دارد به طوری که از آقایان دیگر موجه تر است. از سوی دیگر جبهه ملی مصاحبه ای انجام داده و اعلام کرد طرح کنگره را ما انجام می دهیم تا همه نیروها را در بر بگیرد. با این حساب خودشان قبول کردند که جبهه نیستند چون اگر بودند همه نیروها را در بر می گرفتند و می شد اتحاد و دیگر نیازی به طرح کنگره نبود، بنابراین باید گفت حزب جبهه ملی.

اقدام شما در این رابطه چه بود؟
در آخرین اعلام کردیم هرکس که می خواهد بیاید تا

همفکری کنیم و حول اتحادی که شکل می‌گیرد برنامه ریزی کنیم نه اینکه مثل آقای امیر انتظام همه چیز را از قبل تعیین کنیم. این دیگر چیزی است که کسانی که در اتحاد حضور دارند باید تعیین کنند. ما در این راستا با کسانی نیز صحبت کرده ایم.

آقای سیف ۱۵۰ سال نهضت قانون خواهی در ایران وجود دارد در حالی که هنوز به فرجام مثبتی نرسیده است از سوی دیگر بسیاری از این نوع اتحادهایی که شما می‌گویید یا شکل نگرفته و یا اگر شکل گرفته به سمتی دیگر در غلتیده که نمونه آن همین جبهه ملی و یا شورای ملی مقاومت است به نظر شما علت العلل عدم شکل گیری این اتحاد چیست؟

همین اواخر در جلسه ای یک نفر گفت در رابطه با عدم تشکیل سازمان آسیب شناسی کنیم. در حالی که برای کسانی که ۵۰ سال و یا بیشتر مبارزه کرده اند دیگر آسیب شناسی معنی نمی‌دهد. در واقع خود محوری‌ها و خود بزرگ بینی‌ها است که علت عدم ایجاد اتحاد است و متأسفانه این‌ها همان افرادی هستند که اگر گذشته‌شان را بررسی کنیم هزار و یک ایراد بر آنها وارد است. اینها این صندلی ریاست و رهبری را چسبیده اند و اصلاً رها نمی‌کنند در حالی که باید راه را برای جوانها گشود گمان آنها این است که وقتی به عنوان سخنگو و یا رهبر حزب و نهضت انتخاب شدند دیگر همه چیز تمام شده است در حالی که ک چیزی را باید مد نظر قرار دهیم اینکه ما باید تجربیات را در اختیار جوانها قرار دهیم ... و

در حزب خودتان این کار را کردید؟
ما در حزب اعتقاد به جوانگرایی داریم. به هر حال همه چیز متعلق به آنان است. اگر ما در سطح رهبران نتوانیم این اتحاد را ایجاد کنیم شك نداشته باشیم در میان جوانان این اتحاد ایجاد خواهد شد و آنوقت این مساله را چگونه ارزیابی خواهند کرد در میان مبارزینی که بیش از ۵۰ سال مبارزه کردند و عاجزند از این اتحاد.

شما به فراندوم هم فکر می‌کنید؟
ما به فراندوم معتقد هستیم.

یعنی همان ۶۰ میلیون دات کام؟
اعتقاد این است که اسم آن را بگذاریم فراخوان.

یعنی چه؟
دشمن همیشه با همه چیز بازی می‌کند. ببینید ما معتقد به ک مبارزه سیاسی مسالمت آمیز هستیم. فرجام این چیست؟ ما وقتی به اراده مردمی اعتقاد داریم آیا جز فراندوم راه دیگری برای رسیدن به آن وجود دارد؟ ولی فراندوم زمان خاص خودش را می‌طلبد. در این شرایط فراندوم یعنی انتخابات دوره ۱۷ مجلس شورای ملی. فراندوم در شرایط خاصی بر گزار می‌شود. یعنی حکومت به بن بست رسیده باشد و مردم تقاضای فراندوم کنند. از سوی دیگر در مورد آقای سازگارا باید بگویم من در مورد همه کسانی که در مدت ۲۷ سال گذشته در پستیهای قرار داشتند که حرف و حدیث پیرامونشان است به هیچ وجه اعتقادی به آنان ندارم. حالا چه محسن سازگارا باشد و چه حمید رضا جلائی پور.

یعنی شما به فراندوم معتقدید اما در زمان مقتضی؟
ببینید یک فراندوم در چه زمان و چه شرایطی باید برگزار

شود. انوقتي که طرح رفراوندوم محسن سازگارا مطرح شد من در خارج از کشور بودم و ایشان هم حدود دو سال است که خارج از کشور به سر مي برد. همان موقع که قرار بود طرح اعلام شود با من تماس گرفتند که شما هم امضا کنید. در این رابطه من تحقیق کردم دیدم آقای سازگارا با همه از چپ و راست و سلطنت طلب و... تماس دارد. من متوجه شدم که این طرح مشکوک است. در همین زمان يك خبر نگار آمريکايي که جهت مصاحبه با من آمده بود گفت دولت آمريکا براي این طرح ۲۰ ميليون دلار بودجه تعيين کرده است و در واقع به خاطر تقسيم این پول بود که تلویزیون هاي لس آنجلسي افتاده بودند به جان هم. ما هم این طرح را امضا نکردیم. در همان زمان گفتم که این آقا اگر حسن نیت داشت این مساله را در داخل اعلام مي کرد چون بحثي بود که از چند سال پیش تر میان ما در تهران مطرح بود. این بود که ما نه مخالفت کردیم و نه موافقت نشان دادیم ولي در جايي که مورد سوال واقع شدیم موضع گيري کردیم.

شما در طرح امير انتظام هم با چنین مشکلي برخورد مي کردید؟

آقای امير انتظام هم نظرش این نیست که اکنون رفراوندوم بر گزار شود و از سوي ديگر این نظام که رفراوندوم برگزار نمي کند. رفراوندوم يعني جمهوري اسلامي، بلي يا خير؟

حزب ملت مگر با امير انتظام يا جبهه ملي مشکلي دارد؟ ممکن است روي برخي مسائل اختلاف نظر داشته باشیم ولي با یکدیگر تماس داریم، حزب ملت ايران در گذشته کي از پایه هاي اساسي جبهه ملي بود. اما اکنون ما درباره سازمان کنوني جبهه ملي حرف داریم. جبهه ملي بعد از حوادث سال ۶۰ فرو پاشید ولي اخيرا دوباره آنها يك شوراي ۲۵ نفره تشکیل داده اند و عملا هيچ کاري جز دور هم نشستن انجام نمي دهند. عنوان جبهه ملي خيلي بزرگتر از آن چيزي است که اکنون مطرح مي شود. به عنوان مثال در جبهه ملي چهارم در سال ۴۹ با حضور بزرگاني هم چون سنجابي، سحابي، بختيار، فروهر و... ما مدتها در این جمع تحت عنوان اتحاد حزب ها و نيروهاي جبهه ملي ايران فعاليت کردیم نه جبهه ملي در حالي که برخي به خودشان رنگ و بوي مذهبي داده بودند مثل نهضت آزادي، جاما، مهندس سحابي، دکتر پيمان و برخي ديگر حضور نداشتند. در فضا ملي ما اميدواريم اتحادي صورت بگيرد و کسانی که به شعارهايي که در انقلاب داده شد پایبند هستند گرد هم آیند تا فعاليتي داشته باشند.

فرض کنیم این سازمان اتحاد شکل گرفت؟ تازه مشکل اصلي رخ مي نمايد، به نظر شما در این فضا چه فعاليتي مي تواند انجام دهد؟

بينيد این فضا بسته مربوط به امروز نیست بلکه از ۲۶ سال قبل بسته بود.

اما اکنون حاکميت یکدست شده و نيروهاي راست هژموني تشکیل داده اند؟

من تفاوت زيادي قائل نمي شوم. تا ديروز هم که حاکميت يك دست نبود اصلاح طلبان که کار نمي کردند بلکه آنها ي ديگر فعاليت داشتند و اکنون راحت تر این کار را انجام مي دهند با این تفاوت که بهانه اي ندارند تا کم کاري ها را گردن این و آن اندازند. اما اگر عقل سليمي باشد از این هزينه اي که در طول هشت سال گذشته صورت گرفت باید بهترين بهره برداري را داشته باشند بخصوص در عرصه سياست خارجي تعديل موثري رخ داد بطوریکه دولت در هشت سال گذشته از

چهره خشن انقلاب چهره مقبول کشور های اروپایی نشان داد تا جایی که هنوز آنها از خاتمی به عنوان يك اصلاح طلب یاد می کنند.

بنابراین به نظر من به دور از عقل است که تمام این دستاوردها را به هم بریزند از سوی دیگر کسانی که به آزادی اعتقاد دارند باید در هر شرایط و به هر شکلی به مبارزه خود ادامه دهند ولو محیط بسته باشد. ما حتی در شرایط سخت رژیم گذشته هم مبارزه کردیم.

اما امروز مبارزه سخت تر است با این تفاوت که در میان نیروها به قول شما آزادی خواه هم سستی و رخوت وجود دارد؟

قبول دارم که مردم در مقابل فشارها بی تفاوت شدند و اکنون برای تامین معیشت آنقدر باید کار کنند که فرصت اندیشه و فکر کردن باقی نمی گذارد اما همه ناراحت هستند همچنین در شرایط حاضر است افرادی که در گذشته مبارزاتی داشتند و ادعاهایی دارند باید حد اکثر بهره برداری را به نفع جنبش آزادی خواهی انجام دهند تا آن سوابق به ادعا ختم نشود شما مطمئن باشید که در ۲۲ بهمن ۵۷ همان فشار درونی باعث شد که مردم به خیابانها بریزند. که اکنون نیز این فشار درونی وجود دارد.

در زمان بازی های جام جهانی فوتبال وقتی جوانان به خیابانها می ریختند در همان زمان سعید حجاریان اعلام کرد ما به زودی گرفتار جنبش فرومایگان و یاسیر بنا پارسیسم خواهیم شد که اکثریت جوانان هرم جمعیتی ما و نیز بیکاری زاید الوصف عامل اصلی آن است این جمعیت ناگزیر شور بیشتری به نسبت شعورش دارد و می تواند همه چیز را نابود کند و طرح جدید در اندازد و تاثیر گزار اصلی در انتخابات نیز همین ها خواهند شد؟

جوان به اقتضای سن خود دارای نیروی احساسی و شور فراوانی است و در کشور ما که اکثریت هرم جمعیتی را جوانان تشکیل می دهند قسمت اعظم این نیرو و به ناروا از سوی کسانی که دانش و مطالعه اندکی دارند سوء استفاده می شود. يك جنبه استفاده ناروا از این جمعیت شرکت در عملیات های انتحاری و یا تشکیل گروههای شبه نظامی است. البته هستند جوانان که اهل مطالعه هستند و راه را از چاه تشخیص می دهند.

این دسته چند نفر هستند چه درصدی را تشکیل می دهند؟ بسیار کم هستند ولی به هر حال حضور دارند. به عنوان مثال وقتی راهپیمایی می شود و عکس مصدق از گوشه ای نمایان است این کار توسط جوانی که اهل مطالعه بوده صورت گرفته است.

می توان گفت در انتخابات اخیر هم همین لشکر بناپارسیسم سرنوشت انتخابات را رقم زد؟
ببینید شعارهای انتخاباتی آقای احمدی نژاد هم بسیار جذاب تر و ملموس تر از شعارهای بقیه بود. شما اگر با کارگران صحبت می کردید متوجه تاثیر شعارهای آقای احمدی نژاد می شدید عده بسیاری چنین رای دادند. چون معتقدند آقای احمدی نژاد وضعیت معیشت آنها را درست می کند.

یعنی به نظر شما کسانی که رای دادند دغدغه بیشتری برای نان داشتند تا آزادی دموکراسی؟
دقیقا. اینها همان کسانی هستند که دنبال مطالعه نرفته اند.

آیا حزب ملت ایران معتقد به ایجاد يك جنبش اجتماعی

اعتراضی خیابانی است؟
مگر در گذشته و در طول همین ۲۷ سال نداشتیم، ما مخالف
نیستیم.

ببینید با توجه به طرحی که عباس امیر انتظام ارایه کرده
است و ایجاد چنین جنبشی را پیش بینی می کند به نظر
شما هدایت این جنبش چگونه باید باشد چون طبق آن طرح
به مرور در جنبش باید فردی برجسته شود و هدایت را به
عهده گیرد؟

ببینید همه این را می گویند اما عمل نمی کنند. اصلاً خود
امیر انتظام به این مساله توجه ندارد هر چند که در متن طرح
خود آن را تصریح کرده است اما طرح را زیر عنوان جبهه ملی
ارایه داد. و نقش محوری به این جبهه داده است بطوریکه
نحوه عمل به شکلی است که این کنگره یا نمی گیرد. اگر
امیر انتظام به طور مستقل این مساله را انجام می داد و
فراخوان می داد نتیجه بهتری می گرفت تا اینکه آن را تحت
عنوان جبهه ملی ارایه کند در حالی که به اعتقاد من امیر
انتظام به لحاظ سابقه ک سر و گردن از دیگر اعضای جبهه
ملی بالاتر است. او یک زندانی سیاسی با سابقه است.

آیا در عوض آن سازمان اتحادی که شما صحبتش را می کنید
تشکیل خواهد شد؟
بله. چون این اتحاد فقط برای آزادی است. ما نوع حکومت و...
را تعیین نکرده ایم. فعلاً بحث این است که تشکیل شود و
هرچه سریعتر گسترش یابد .

خب سرانجام چه؟ یک سازمان سیاسی به هر حال به
تشکیل دولت می اندیشد؟
نه به آنجا نمی رسد البته ممکن است وقتی گسترش یافت
و زمان مناسب بود اقدام به تشکیل دولت کند اما شکل آن را
باید با شراکت هم و بعداً مشخص کرد.

ببینید یک خیزش اجتماعی سازمان می خواهد و سازمان هم
رهبر لازم دارد. اگر اپوزیسیون بخواهد این خیزش را رهبری
کند بدون وجود رهبر و یا لاقلاً کمیته رهبری چگونه انجام
خواهد شد بسیاری از کسانی که انتخابات را تحریم کرده
بودند در واقع اکنون در چنین پلا تکلیفی ای بسر می برند؟
تشکیل کمیته رهبری چندان آسان نیست موانع بسیاری
وجود دارد که تلویحاً به آن اشاره کردم. دقیقاً درست است
که خلغ وجود دارد و مردم نمی دانند که چه کار بکنند. به
عنوان مثال شب شعری در منزل اکبر گنجی تشکیل شد که
از همه نیروها کسی حضور داشت و بسیار عالی بود اگر این
مراسم تکرار شود زمینه برای اتحاد و تشکیل آن کمیته مهیا
خواهد شد. نامه ۵۶۵۶ امضایی که بعد تعداد آنها نیز افزایش
یافت هم بر این اساس شکل گرفت. در آن همه نیروها حضور
داشتند به جز نهضت آزادی و طرفداران سحابی. این نامه
خیلی تاثیر داشت. جلساتی در این رابطه تشکیل می شود
و ادامه دارد و به هر حال خلاصه اینکه در این رابطه
فعالتهایی صورت می گیرد. امیدواریم با شکل گیری این
اتحاد هم آن خلغ پر شود و هم اینکه اندکی از خود محوری
های دوستان کاسته شود.

یعنی این جلسات حتماً به تشکیل آن سازمان اتحاد مورد نظر
شما منتهی می شود؟

امید داریم. البته در این جلسات از تحکیم وحدت، ادوار
مجلس، انشعابی های ملی مذهبی ها و... حضور دارند. این
جمع باید تشکیل شود و با همفکری روی اصول و اساسنامه
آن بحث شود.

از این گروهها و احزاب دوم خردادی با شما نیستند؟ ما نمی توانیم داشته باشیم. آقایانی همچون بهالدین ادب و موسوی که با ما هستند پایمردی خود را در مجلس ششم نشان دادند.

برای تشکیل جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر از حزب ملت ایران دعوت نشد؟ نه، خبر آن را من از رادیوی بی بی سی شنیدم و بعد گفتند حزب ملت ایران هم به آن خواهد پیوست که من تکذیب کردم.

فضای بین المللی و شرایط خاص ایران برای تشکیل سازمان اتحاد مناسب است؟ شرایط بین المللی ایران به انرژی اتمی گره خورده است. اما من با اطمینان می گویم تا سازمان سیاسی وجود نداشته باشد هر شرایطی ایجاد شود نمی توانیم عملی انجام دهیم. ما در صورتی از این برخوردها و تقابل هایی که صورت می گیرد می توانیم استفاده کنیم که دارای يك سازمان سیاسی منسجم باشیم ما باید زودتر از اینها این سازمان اتحاد را تشکیل می دادیم که ندادیم. البته سازمانهای امنیتی جلوگیری و با آن برخورد می کنند.

و اگر این برخورد در دولت آینده دوباره به طور آشکار به عرصه سیاسی و اجتماعی و خارجی کشیده شود؟ من این سیاست را در نهایت به ضرر مردم نمی بینم. حاکمیت يك دست شده و به هر حال تکلیف مردم مشخص شده است. ادامه سیاست برخورد به نظر من بعید است چون عمر حاکمیت را کوتاه می کند.